

## معرفی شاعران نامدار در قلمرو موسیقی فولکلوریک

گردآورنده و تنظیم: صادقه صحت\*

sehat@radioresearch.ir

در گنجینه ادب لرستان نام آشنا و پرآوازه "ترکه میرآزادبخت" یادآور شخصیتی عارف و شاعری تواناست، بطوری که بعضی از صاحب نظران، شخصیت عرفانی و اخلاقی او را ویرای هنر سخن سرایی اش دانسته‌اند.

در گنجینه ادب لرستان نام آشنا و پر آوازه  
"ترکه میرآزادبخت" یادآور شخصیتی عارف و  
شاعری تواناست، بطوری که بعضی از صاحب  
نظران، شخصیت عرفانی و اخلاقی او را ویرای  
هنر سخن سرایی اش دانسته‌اند.

مقدمه

در این مقاله از تحقیقات ارزنده محققان و تجربه های گرانقدر هنرمندان که طی سالیان سال همکاری مستمر، با نشست ها و

مصاحبه‌های متعدد در گنجینه فرهنگ مردم گردآوری شده است، استفاده می‌شود. اما آنچه در این نوشتار می‌آید به نقش مؤثر شاعران نامدار و تجلی موسیقی محلی اختصاص دارد که در این مجال به ویژگی‌های اخلاقی، محلی اجتماعی و تأثیر مضاعف اشعار تعدادی از این نام آوران در عرصه شعر و موسیقی محلی اشاره‌ای می‌کنیم.

ترکه میر آزاد بخت

"ترکه میرآزاد بخت" اهل نورآباد و از طایفه "آزادبخت" است و استاد او "نجف" از شاعران و مردان آگاه لرستان بود. درباره تاریخ تولد و وفات او بطور دقیق و مستند اطلاعاتی در دست نیست، اما در قصیده ای که دوست و همکارش، محمدتقی موموند دلفانی(از شاعران توانمند لرستان) در رثاء ترکه میر سروده، به تاریخ فوت او اشاره شده است. در این سروده، محمدتقی موموند دلفانی، به پاره ای از ویژگی‌های اخلاقی و توانمندی‌های ترکه میر نیز اشاره کرده

\* نویسنده و سردبیر برنامه رادیویی آواها و نواها

است. (غضنفری، بی تا)

"اکنون که سال ۱۲۳۶ هجری قمری است

روزگار، ترکه میر را به وادی مرگ فرستاد

مرد مشورت، شیرین سخن، دانای درس و بحث

واقف بر همه سبک‌های سخن سرایی

زیارت کننده تربت اولیاء الله بود

آن مراد همه بزرگان

همدرس و هم بحث دبیران

هم رزم و هم بزم امیران

ستایشگر اعجاز پیمبران

وصاف خوبرویان و معرف هنرمندان"

از گذشته تا به امروز اشعار این شاعر لک زبان در محافل

هنرمندان لرستان سینه به سینه نقل گشته و پاره‌ای از آنها با

مقام‌های موسیقی محلی این منطقه همراه شده است. از جمله

شعری به نام "یادگار یار" که آقای علیرضا نادری در

مقام "شانه شکی" و در بخش موسیقی عرفانی اجرا کرده

است. در این اثر ترکه میر و نخجت به مشاجره و تبادل نظر

پرداخته‌اند که بخش‌هایی از آن در قالب نغمه و نوای

دل‌انگیزی مطرح شده است.

"سرور من، عزیزم تنم را تیر مژگانش خسته

دلم در کمند ناگسستنی رویش گرفتار است

از بام تا شام تنها یادگاری است که از او برایم باقی مانده

است

جای در دلم کرده قلاب محبتش قلبم را اسیر نموده

شوخی پروانه شیدایی بلبل تمنای بزم شب افروزی

انتظاری گل، مرغ دل همواره گرفتار است

همین است یادگاری دلدار که نزد من مانده است

شبها ناله‌ام بلند است چون قیس بر فراز کوهساران نالم

آهنگ ناله‌ام بر روی زمین پخش گردیده است

حالتی تلخ دارم و سوختنم واجب است از سرزنش عام به

تنگ نمی آیم

یادگاری که از دلدار برایم باقی مانده است

قلاب محبتش قلبم را اسیر کرده و در حسرت نظاره کردنش

هستم

خال‌های غزال گونه اش را بشمارم، از آن پس جانم را فدایش

می‌کنم"

شاعر برجسته خطه لرستان، ترکه میر آزاد بخت، شعر معروفی

به نام "مناجات‌نامه" سروده است که در بخش موسیقی محلی

لری ثبت و ضبط رسیده است. (نادری، ۱۳۷۹)

"ای یکتای یگانه! ای لامکان

ای جان بخش جان‌ها و جان ستان

ای بلند مرتبه، ای بیننده

ای که لطف تو لطیف‌ترین است

و ذکر تو بر زبانها جاری

ای قبله حاجتمندان و کعبه آمال

ای خدا! تو آفریننده زمین و آسمانی"

### ملا منوچهر کولیوند

یکی دیگر از شاعران نامدار لرستان "ملا منوچهر کولیوند" نام دارد. او فرزند تقی از طایفه کولیوند الشتر و نام خانوادگیش نورمحمدی است. درباره قریحه شعری او بعضی معتقدند که ملامنوچهر، طبعی روان داشته است و در طول زندگی در حدود ده هزار بیت از اشعارش را در دیوانی گردآوری کرده است که متأسفانه بر اثر درگیری‌ها و جنگ‌ها، این دیوان نفیس از بین رفته است. (غضنفری، بی تا) اما امروزه با همت جمعی از ادب دوستان لرستان، تعدادی از سروده‌های این شاعر در قالب ترکیب بند، ترجیع‌بند، غزل و مثنوی، گردآوری شده که در این میان چکامه "شمس زرین" او در آینه موسیقی محلی لری به شکلی زیبا نقش بسته است.

البته این شعر شیوا در بین اهل هنر بنام "کله باد" نیز معروف است و علاوه بر ملامنوچهر کولیوند، شاعران دیگری چون "ترکه میر آزاد بخت" و "ملاحقپوش" درباره یادهای موسمی لرستان در دو ماه بهمن و اسفند، تحت عنوان "کله باد" شعرهای وزین و معروفی سروده‌اند. (غضنفری، بی تا)

"شمس زرین بال زرین با فروغ و فتح فرین

فوق فرق و شرق گرین

صبحدم‌هات و دیار

بی و تسخیر سلیمان کوه و کش بر و بیابان

از زمین تا قاف خندان بی دماغ روزگار"

"خورشید با بالهای زرین با فروغی از فتح و پیروزی

و جلالت برفراز کوه گرون از هر سو بامدادان پدیدار شد

مانند سلیمان نبی کوه و صحرا و مرغزاران را تسخیر کرد

از زمین تا آسمان دماغ روزگار را خندان ساخت"

### غلامرضا ارکوازی

مردم لرستان در گذشته شاهد رشد و تکامل هنرمندی دیگر در عرصه شعرسرایی بوده‌اند. این هنرمند عارف در روستای سرجفته از توابع پشتکوه لرستان دنیا آمده است. پدرش محمدحسن نام داشت و فرزندش را غلامرضا نام نهاد. غلامرضا ارکوازی سخنور لک زبان لرستان به اعتقاد بعضی از اهل هنر از اهالی پشتکوه ایلام است. او محرم رازداران و مرهم رنج دیدگان است. تخلص او در متن اشعارش "حیدر" است که عشق و علاقه سرشار او به مولای متقیان حضرت علی(ع) را نشان می‌دهد. نقل می‌کنند که غلامرضا ارکوازی پسری بنام احمد داشته است که در عنفوان جوانی از دنیا می‌رود و شاعر دلسوخته لرستان در فراق پسر شعری بنام "باوه یال" (bâvayâl) می‌سراید. در این شعر از خاطرات پدر و پسر در سیر و سیاحت در کوه باوه یال (از سلسله جبال زاگرس) یادها شده است. (نادری، ۱۳۷۸) علیرضا نادری با بهره گرفتن از این شعر، آهنگی را در مقام سه پا هل پرکی و مقام گرانی، هوره و مویه، بنام کراس چاک چالی (پیراهن پاره کردن) اجرا کرده است. در بندهایی از ترجمه شعر باوه یال این گونه می‌خوانیم که:

"فرزندم، از هجر تو، پریشان حال و افسرده‌ام  
 زبان جز به نام تو نمی‌گشایم  
 آن روز در کوه باوه یال چه هیاهویی بر پا بود  
 لباسش سیاه و حالش دگرگون بود"

### جعفر قلی زنگلی

نخست با آغاز بسم ... می‌گویم نصر من ...  
 فتح قریب می‌گویم لا اله الا ...  
 از ته دل می‌گویم، علیاً ولی ...  
 قبول کرده‌ام دین محمد رسول ...

در میان شاعران نامی خراسان شمالی، جعفر قلی زنگلی شهرت و محبوبیت در خور توجهی دارد. شعرهای او مظهر همبستگی و همزیستی اقوام مختلف ساکن در این استان است. او با درک عمیق و طبع ظریف از باورها، خواسته‌ها و آرزوهای مردم به گویش‌های فارسی دری، کردی کرمانجی و ترکی شعر می‌گوید. نقش شعرهای عرفانی، اخلاقی و اجتماعی جعفر قلی در آواها و نواهای هنرمندان خراسان شمالی بسیار چشمگیر و گسترده است، بطوریکه در بین مردم این مناطق پای صحبت هر کس که بنشینیم به تناسب موضوع یا چند بند از شعرهای شاعر خوش ذوق و خوش قریحه این منطقه - جعفر قلی - را می‌خواند و یا حکایتی از کرامات او را مطرح می‌کند. (اکبرزاده، ۱۳۷۷)

جعفر قلی مرد سفر و حضر بوده و تسلط اش بر چهار زبان فارسی، ترکی، کردی و عربی، مجالست و مصاحبت او با

اقوام مختلف را میسر می‌کرد و همین موضوع یکی از ویژگیهای بارز جعفر قلی در سرودن شعرهای پرمغز و نغز به زبانهای یاد شده است. در این زمینه نقل می‌شود که مهارت و توانمندی او به حدی بوده است که بطور همزمان به چهار زبان فارسی، کردی، ترکی و عربی شعر می‌سروده است.

(توحدی، بی تا)

"پس از نام خداوند گویم نام محمد  
 علی لنگر عرش و فاطمه زیب و زینت  
 حسن دریای علم و حسین دریای رحمت  
 در بهشت چو رفتم، گفتند: قرآن و عترت"

در نواحی خراسان شمالی جعفر قلی، شخصیتی برجسته و مطلوب دارد که از روح معنوی، حسن اخلاق و ذوق سرشار او نشأت می‌گیرد. او شاعر و موسیقیدانی است که در ایل کرد زنگلانلو (zangelânlu) در ناحیه گوگان واقع در مناطق شمال شرقی استان خراسان شمالی متولد شده است. درباره انگیزه و گرایش جعفر قلی به سرودن شعر و نواختن دو تار روایات متعددی در بین سالخوردگان هم عصر او نقل می‌شود که معتقدند این شاعر توانا و هنرمند عارف در دوره ای از زندگی تحت تأثیر عشقی درونی و عرفانی قرار می‌گیرد و متعاقب آن چون طالبی شیفته، در پی مطلوب دل سر به کوه و بیابان می‌گذارد و بعد از طی طریق مراحل تکامل را پشت سر می‌گذارد. او در شعری بنام دنیا، اندیشه خود را در پاره‌ای از مسائل دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، مادی و معنوی

اینگونه بیان کرده است (یگانه، ۱۳۷۸)

ای دل زیاد مغرور مشو، غرور جوانی گذشت ایام ما ایام گذشته است، زور و توان پهلوانی رفت

باد خزان در گلزار وزید و گلهای ارغوانی رفتند به جز ذات پاک حق هر چه هست فانی است آن شفیع روز جزا، حضرت محمد کجاست؟ آن کسی که خداوند، دو عالم را برای او خلق کرد کسی که آمرزش امتش را از حق استدعا می کرد محمد مصطفی قرآن را باقی گذاشت و رفت کجاست جانشین رسول ...

آن وکیل و شفیع مخلوقات خدا کجاست؟ علی شیر یزدان، آن بخشنده مشکل گشا و معیار بهشت و دوزخ

(او که) اسرار الهی در سینه اش مخفی ماند و رفت (دیوان جعفرقلی)

"جعفر قلی" رهروی عاشق، شاعری نکته‌دان، طالبی عارف و هنرمندی چیره دست بود. او در اذهان مردم خراسان شمالی نمایی از شجاعت، جوانمردی، حکمت و خلاقیت است.

"مدد از تو می خواهم ای خداوند سرمد

ای خداوند احد و هم هو ... صمد

موسیقی عرفانی تربت جام و بخش وسیعی از نواحی جنوب خراسان نمونه‌ای گویا و شاهدهی زنده تأثیرپذیری نغمه‌های محلی از شعرهای عرفانی شاعران بلندمرتبه این منطقه است.

سرور پیغمبران، پیغمبر ما احمد در هر کار خوب و بد، گویم یا علی مدد بر روی پل صراط از تو می خواهم مدد" (همان) علیشیر نوایی

بنابر اظهار هنردوستان و هنرمندان مناطق شمالی خراسان، یکی دیگر از شاعران تأثیرگذار در نغمه‌ها و ترنم‌های محلی این نواحی از کشور "علیشیر نوایی" نام دارد. مردی نیکو صفت و خردمندی خوش کلام. او اشعارش را به دو زبان فارسی و ترکی جغتایی می‌سروده و به همین دلیل در میان مردم ملقب به "ذولسانین" شده است. از آنجا که اشعار علیشیر نوایی اغلب به دو زبان فارسی و ترکی سروده شده است تخلص او نیز در عرصه شعر و شاعری دو گونه بوده است. در اشعار ترکی به "نوایی" شهرت دارد و در شعرهای فارسی به نام "فانی" یا "فنائی" معروف است. (سلیمانی، ۱۳۷۳) احمد جامی

موسیقی عرفانی تربت جام و بخش وسیعی از نواحی جنوب خراسان نمونه‌ای گویا و شاهدهی زنده در تأثیرپذیری نغمه‌های محلی از شعرهای عرفانی شاعران بلندمرتبه این منطقه است.

دوتارنوازان کلام و ندای درون خود را با سخنان شیوای عرفا در قالب شعر و سخنوری، زینتی دو چندان می بخشند. در

این میان شخصیت حقیقت جوی شیخ الاسلام احمد جامی در تبلور هنر موسیقی محلی بسیار بارز و موثر بوده است، بطوری که یکی از مقامهای مطرح در جنوب خراسان منسوب به این عارف نامی است و در محافل مذهبی و عرفانی به مقام احمد جامی شهرت دارد. (سمندری، ۱۳۶۶)

"احمد جامی" از مخلصان کوی رحمت و محبت است. او در پی توسل و توکل به درگاه الهی، پاره‌ای از ایام شباب را در سکوت و خلوت درون به خودسازی گذراند و بعد از آن با مدد گرفتن از آستان حق برای ارشاد خلق به جام شتافت.

"جامی" به القابی چون "ژنده پیل"، "شیخ جام" و "شیخ الاسلام" شهرت دارد و اشعار او جواهری ارزشمند در گنجینه هنر و رهنمودی حق جو در میان مشتاقان و شیفتگان اوست. (دهخدا)

### تیلیم خان

سالیان سال است که هنرمندان دو منطقه همدان و مرکزی نغمه‌های ساز خود را با اشعار شاعر محلی، معروف به تیلیم خان زینت می‌بخشند. او آذری‌زبان و اهل روستایی بنام مراغه از توابع بخش مزلقان واقع در حومه ساوه است. از تاریخ تولد تیلیم خان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما گروهی تخمین می‌زنند که او در زمان نادرشاه بدنیا آمده است. درباره تاریخ فوت تیلیم خان نیز نقل می‌شود که در سال ۱۲۴۶ق در همان

روستای مراغه وفات یافت. طول عمر این شاعر نامی بین ۸۰ تا ۹۰ سال ذکر شده است. (رزاقی، ۱۳۶۷)

در مناطق یاد شده بخش مهمی از مضامین موسیقی محلی از آثار شاعر و عارف این منطقه، تیلیم خان تأثیر پذیرفته است. اغلب اشعار تیلیم خان به زبان آذری است، اما عده ای از هنرمندان ساکن در مناطق قشلاق که از قوم زرگرها هستند، بعضی از اشعار تیلیم خان را به گویش زرگری برگردانده و با نوای چگور اجرا می‌کنند. (همان)

### مفتون

"سید بهمنیار بردخونی" متخلص به مفتون، یکی از چکامه‌سرایان پرآوازه خطه گرم ساحل جنوبی است. او در سال ۱۲۷۶ شمسی در بردخون دشتی تولد یافت و با شاعر دویتی سرای دشتی و دشتستان "فایز" همدرد، هموطن و همراه بود. (زنگویی، بی تا) اشعار مفتون، ساده، روان، نافذ و جانسوز است. دو بیتی‌های او غم زمانه را از قهر طبیعت تا

هجر یار و هجوم بیگانه دربرمی‌گیرد.

"اگر قمری فغان از دل برآرد

و لیکن دیده گریان ندارد

ندیده وقت ناله چشم مفتون

که همچون تیره باران بیارد"

اشعار مفتون همواره گرمی بخش محافل هنرمندان در

اجرای آواز پرشور و پرشوننده "شروه" بوده و نفس گرم شروه‌خوانان همواره با مفاهیم و مضامین شورانگیز اشعار مفتون پرسوز و گداز است.

"سفر مشکل فراق یار و مشکل

بناچاری نهم این بار در دل

ز کوه افزون بود بار فراقش

عجب دانم رسد مفتون به منزل"

### فایز

سالها قبل در روستای کردوان دشتی از توابع استان بوشهر کودکی دیده به جهان گشود که نام و یادش برای همیشه در تاریخ ادبیات و فرهنگ شفاهی کشور ماندگار شده است. او "محمدعلی دشتی" است که در میان مردم به تخلص شعریش "فایز" شهرت دارد. فایز تحصیلات خود را در بردخون پی گرفت و پس از آن پیشه کشاورزی را برگزید. (همان)

روح پالایش یافته و کلام شیوای فایز چنان حرمتی در بوشهر دارد که آوای شروه‌خوانان با اشعار او خوانده می‌شود. آوایی که سوز و گداز و عشق و فراقش در روح و جان هر کسی شعله می‌کشد. این آواز در بعضی از مناطق، سواحل جنوبی اصطلاحاً به "فایز خوانی" شهرت دارد.

"بیا جاننا که دنیا را وفا نیست

جوی راحت در این محنت سرا نیست

درین ره هر چه فایز دیده بگشود  
ز همراهان اثر جز نقش پا نیست"

### هزار

مردم مناطق کردنشین گاهی نوای درون و آوای دل را از لابه‌لای سخنان شاعر درد کشیده و پرشور کرد، استاد عبدالرحمن شرفکنندی می‌یابند. او یکی از اساتید و صاحب نظران و اندیشمندان بنام فرهنگ و ادبیات کردی و عربی بشمار می‌رود و تخلصش "هزار" است. استاد هزار متولد مهاباد است و در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی دیده به جهان گشود. پدرش ملامحمد بور از مردان روحانی و متدین مهاباد بود که خلق و خوبی سرشار از معنویت و سادگی به پسرش مرحمت کرده بود. بسیاری از اشعار هزار بوسیله هنرمندان بومی در گستره موسیقی کردی به علاقمندان عرضه شده است. (عزیزی، ۱۳۷۵)

"باد بهاری به نسیم سحری مژده داد

که نروز کردها فرا رسید

سپاه تگرگ و کولاک و برف

با اشعه خورشید درهم شکست

و فریاد خورشید باز هم به فروردین رسید."

### مختوم قلی فراغی

شاعر بزرگ ترکمن، مختوم قلی، متخلص به فراغی در

سال ۱۰۹۴ هجری شمسی در روستای "حاجی قاوشان" (در نزدیکی رود اترک) به دنیا آمد. پدر مختوم قلی، دولت محمد آزادی از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت. او بخشی از تعلیم و تعلم پسرش را بر عهده داشت و همواره می‌کوشید تا مختوم قلی خدمتگزار مردم باشد. از این رو تعالیم پدر در شعرهای پسر نقش ارزنده‌ای داشت، به طوری که روح حق طلبی و مبارزه با صفات ناپسند فردی و اجتماعی در سخنان مختوم قلی موج می‌زند. (قوجق، گزلی، ۱۳۷۱)

"به بنی آدم سخن تند مگوی

بهنتر است که به مساکین کمک کنی

نزد بخیل مرو و روی ترش آنها را نبین

برای کارهای مهم، مردان با کفایت لازم است"

"اگر یتیمی را دیدی اخم‌هایت را باز کن

اگر توانستی طعامی برایش مهیا کن

اگر غمگینی را دیدی با خوشرویی با او صحبت کن

کسانی را که یاری می‌طلبند باید حمایت کرد"

مختوم قلی شاعری است که عمرش را در سفر گذرانده و

تجربه‌های ارزنده‌ای کسب کرده است. او همراه و هم کلام

مردم در شادی‌ها، غم‌ها و مبارزه‌ها بود او توانست با نظری

ژرف، بی‌وفایی دنیا را درک کند و با ایمانی راسخ و عرفانی

ناب، در مذمت آن افراد شنوا را پند بدهد. (دیه جی، بی تا)

"دنیای کج رفتار" یکی از اشعار نغز شاعر بیدار دل ترکمن صحراست که گروه هنرمندان مختوم قلی با نغمه و نوای محلی به دوستداران موسیقی محلی تقدیم کرده اند. در این شعر مختوم قلی انسان را از چند چیز بر حذر می‌دارد. (انوری، ۱۳۷۶)

"دل بستن به دنیای بی‌وفا و بی‌رحم

غرق شدن انسان ره گم کرده

در دریای بیکران کج اندیشی‌ها

و عاقبت، رهنمایی به سمت خودشناسی و رهایی از آرزوهای

بیهوده و بی‌اثر"

در عرصه موسیقی محلی ترکمنی بخشی های ترکمن

صحرا، هنر نواختن دو تار و خواندن اشعار محلی را با کلام

موزون و عمیق شاعر توانا و درد آشنای این خطه، مختوم قلی

فراغی، زینت می‌بخشند. شاعر پر آوازه‌ای که شعرهایش آینه

تمام نمای زمانه اوست.

"مختوم قلی! با احتیاط سخن بگو

و کمتر به خوردن و آشامیدن پرداز

مرد کاملی را بیاب و قدم در پی او بگذار

زیرا اگر با بزرگمردان همراه شوی

مردی بزرگ خواهی شد"

مقبره مختوم قلی فراغی در روستای "آق تقای" از توابع مراوه

تپه واقع شده است. (شادمهر، ۱۳۷۳) هنرمندان گروه ترکمن صحرا شعر معروف "کونگل جم بولیب" ( kongel jem bolib) به معنای "شور دل" را در مقام "قرق لر" اجرا کرده‌اند و این سروده پر معنا را در قلمرو نغمه‌ها و ترنم‌های محلی به ثبت و ضبط رسانده و جاودانه کرده‌اند. (تکه، ۱۳۷۹)

"هر چه زمان می‌گذرد، مشکلات جهان بیشتر می‌شود دل پریشان من، کی به آرامش می‌رسد؟

به فکر توشه آخرت باش و از دنیا دل بکن دنیا به هیچکس وفا ندارد، همه از آن خواهند رفت مختوم قلی! یاد و ذکر خدا را فراموش نکن برای سختی‌ها، طلب صبر کن و برای شادی شکر گورستان را ببین و به آن فکر کن چه افراد بزرگی در دل خاک آرمیده‌اند"

#### منابع

- ۱- اکبرزاده، کریم، خراسان شمالی، شیروان، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۷.
- ۲- انوری، قلیچ، گلستان، گنبد کاوس، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۶.
- ۳- تکه، مجید، گلستان، ترکمن صحرا، گنجینه واحد فرهنگ مردم، ۱۳۷۹
- ۴- توحیدی، کلیم ا...، جعفر قلی زنگویی، بی‌تا.

- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
- ۶- دیه جی، عبدالرحمن، گلستان ترکمن صحرا، گنجینه فرهنگ مردم.
- ۷- رزاقی، میرزا علی اکبر، مرکزی، ساوه، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۶۷.
- ۸- زنگویی، مجید، شعر دشتی و دشتستان، بی‌تا.
- ۹- سلیمانی، حاج قربان، خراسان شمالی، قوچان، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۳.
- ۱۰- سمندری، حسین، خراسان جنوب، تربت جام، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۶۶.
- ۱۱- شادمهر، امان قلیچ، ماهنامه ادبستان، شماره ۵۲، فروردین ۱۳۷۳.
- ۱۲- عزیزی، نسرین، کردستان، مهاباد، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۵.
- ۱۳- غضنفری، اسفندیار، گلزار ادب لرستان.
- ۱۴- قوجق، یوسف و گزلی، محمود عطا، یاپراق، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۵- نادری، علیرضا، لرستان، خرم آباد، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۸.
- ۱۶- یگانه، غلامعلی، خراسان شمالی، قوچان، گنجینه فرهنگ مردم، ۱۳۷۸.